

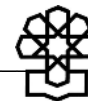
# اشتغال و اشتغال‌زایی در اقتصاد کلان ایران

## «مفاهیم، دلالت‌ها و سیاست‌های مرتبط»

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	تعریف مفاهیم و اصطلاحات گزارش
۴	چارچوب نیروی کار
۵	مروری اجمالی بر برخی آمارگیری‌های مرتبط با اشتغال
۹	بازار کار در برنامه پنجم توسعه (زمینه‌ها و چشم‌انداز)
۱۲	تغییر و تحولات بازار کار طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۸
۱۸	سیاستگذاری اقتصادی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری محرک‌های اصلی اشتغال
	اهم اقدامات انجام شده و برنامه‌های دولت برای ایجاد فرصت شغلی بر مبنای اطلاعات ارائه شده در
۲۴	سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۲۶	محدودیت تحقیق و نقد برنامه‌های دولت
۲۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۲	منابع و مأخذ



## اشتغال و اشتغال‌زایی در اقتصاد کلان ایران «مفاهیم، دلالت‌ها و سیاست‌های مرتبط»

### چکیده

به‌طور طبیعی از دیرباز اقتصاددانان، سیاستگذاران و تحلیلگران بازار کار توجه ویژه‌ای را به تحولات اشتغال به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد کلان معطوف کرده‌اند. از این منظر یکی از مشکلات اصلی سنجش و ارزیابی بازار کار، وجود دو روش جداگانه (که هر یک نگاه متفاوت و واگرایانه‌ای از دیگری دارد) آمارگیری اشتغال<sup>۱</sup> در محیط واقعی اقتصاد است. در کوتاه‌مدت چنین فرض می‌شود که تغییرات در تقاضا برای کالا و خدمات منجر به تغییرات تقاضای نیروی کار می‌شود، اما از آنجا که سیاستگذاران تمایل دارند آمارهای اشتغال را قبل از آنکه اندازه‌گیری‌های اولیه ستاده کل (GDP واقعی) گزارش شود، به‌عنوان یک ارزیاب<sup>۲</sup> برای تغییرات آینده در ستاده ببینند بعضاً اشکالاتی در بیان نرخ واقعی اشتغال (که یک موضوع تبعی ناشی از تولید و سرمایه‌گذاری است) ایجاد می‌شود. گزارش حاضر ضمن بیان دلالت‌های مترتب، بر محاسبه جمعیت شاغل و فعال اقتصادی، به نبود آمارگیری‌های متنوع اندازه‌گیری‌کننده اشتغال در کشور به‌عنوان یک خلأ اشاره می‌کند. براین اساس صرف اعلام ایجاد ۱/۶ میلیون شغل در سال ۱۳۸۹ بدون داشتن یک آمارگیری علمی از درجه روایی پائینی برخوردار است. مطابق با مستندات برنامه پنجم توسعه (تهیه شده از سوی معاونت نظارت راهبردی)، در یک گزینه مطلوب و نه روند گذشته و موجود، در طول برنامه عرضه نیروی کار جدید سالیانه ۸۴۳/۲ هزار نفر خواهد بود این درحالی است که به دلیل عدم وجود آمارگیری‌های اشتغال جاری (CES) جهت ارزیابی، ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی (یعنی ۳ برابر گزینه مطلوب در سال‌های برنامه پنجم) را غیرواقعی تلقی می‌نماید. پیشنهاد اصلی تحقیق اجرای آمارگیری‌های مرتبط با ارزیابی ایجاد اشتغال و به‌کارگیری سیاست‌های فعال بازار کار به‌جای سیاست‌های منفعل است. از این منظر تسهیل فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری مورد تأکید قرار گرفته است.

1. Survey of Employment  
2. As a Gauge

## مقدمه

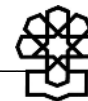
واقعیت این است که در شرایط کنونی ساختار جمعیتی خاص ایران و عرضه فراوان نیروی کار از یکسو و عدم تکافوی فرصت‌های شغلی موجود و نیز فقدان امکانات متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای نیروی کار ازسوی دیگر، بیکاری را به‌عنوان مهمترین چالش اقتصادی - اجتماعی ایران درآورده، به‌طوری که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی دیگر را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

از این جهت بازار کار در بین بازارهای پنج‌گانه اقتصاد (بازار سرمایه، بازار پول، بازار تأمین اطمینان، بازار کالاها و خدمات و سرانجام بازار کار)، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی، ازجمله اشتغال جایگاه ویژه و نقش محوری دارد. پیامدها و آثار مثبت فراوان اقتصادی - اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه اقتصاددانان، سیاستگذاران و سیاستمداران است و پیامد مستقیم چنین تعادلی جلوگیری از هزینه‌های سنگین ناشی از پیامدهای بیکاری از قبیل انواع و اقسام ناهنجاری‌های اقتصادی، مانند شیوع فقر و آسیب‌های اجتماعی مانند افزایش بزهکاری، جرم و افزایش نرخ طلاق است. بر همین اساس دولت‌ها همواره به انحاء مختلف در تلاش هستند معضل چندجانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از بحران بیکاری را با سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص حل نمایند، البته شواهد تجربی بیانگر این واقعیت است که همه کشورها چه توسعه‌یافته صنعتی و چه درحال توسعه به نحوی گریبانگیر این مسئله اقتصادی - اجتماعی هستند، لکن درجه حدت و شدت آن متفاوت است.

این تحقیق به‌دنبال پاسخ به این دو سؤال است که:

۱. آیا برون‌داد آمارگیری‌های نیروی کار، نمایی از فرصت‌های جدید شغلی ارائه می‌دهد؟
  ۲. آیا شواهد مربوط به محرک‌های اشتغال به‌ویژه سیاست‌های اتخاذ شده و متغیرهای کلان اقتصاد نظیر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و... دلالت بر ایجاد حجم بالایی از فرصت شغلی جدید دارد؟
- از این منظر ابتدا مفاهیم لازم مرتبط با بازار کار و اشتغال تبیین شده است؛ سپس آمارگیری‌های اشتغال مورد تدقیق واقع شده است و در ادامه ضمن ارائه سیمای بازار کار در برنامه پنجم، تغییرات و تحولات بازار کار مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن محرک‌های اصلی اشتغال از بعد کلان اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است. در انتها اهم اقدامات انجام شده ازسوی دولت برای ایجاد فرصت شغلی در سال‌های اخیر تبیین شده است.

هرچند از سال ۱۳۸۴ به‌دنبال تغییر تعریف جمعیت شاغل و مطابق با تعریف استاندارد سازمان بین‌المللی کار، مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری از نیروی کار را جایگزین طرح آمارگیری ویژگی‌های اشتغال و بیکاری کرد، لکن جای خالی برخی آمارگیری‌ها نظیر (CES)<sup>۱</sup> مشهود است.



## تعریف مفاهیم و اصطلاحات گزارش

عرضه نیروی کار:<sup>۱</sup> به جمعیتی اطلاق می‌شود که تأمین‌کننده نیروی کار جهت تولید کالاها و خدمات در طول یک دوره مشخص زمانی باشد و شامل مدت‌زمانی است که این جمعیت کار می‌کند یا زمان قابل کار کردن در طول این دوره است. همچنین متضمن کثرت و شدت کار، سطح آموزش‌ها و مهارت این جمعیت است.<sup>۲</sup>

جمعیت فعال اقتصادی:<sup>۳</sup> تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) که در هفته مرجع طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می‌شوند.

جمعیت غیرفعال اقتصادی: تمامی افراد ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) که در طول هفته مرجع طبق تعریف، در هیچ‌یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی‌گیرند، جمعیت غیرفعال اقتصادی محسوب می‌شود.

جمعیت شاغل:<sup>۴</sup> کلیه افراد ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند.

جمعیت بیکار:<sup>۵</sup> به کلیه افراد ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) اطلاق می‌شود که: در هفته مرجع فاقد کار باشند (دارای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی نباشند) و در هفته مرجع یا هفته بعد از آن آماده برای کار باشند (برای اشتغال مزدبگیری یا خوداشتغالی آماده باشند) و در هفته مرجع و سه هفته قبل از آن جویای کار باشند (اقدامات مشخصی را به‌منظور جستجوی اشتغال مزدبگیری و یا خوداشتغالی به‌عمل آورده باشند).

افرادی که به‌دلیل آغاز به کار در آینده و یا انتظار بازگشت به شغل قبلی جویای کار نبوده، ولی فاقد کار و آماده برای کار بوده‌اند نیز بیکار محسوب می‌شوند.

نرخ مشارکت اقتصادی:<sup>۶</sup> نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و

۱. این مفهوم، اقتصادی است و معادل مفهوم آماری جمعیت فعال اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. حیدرپور، به نقل از بوثورث و دیگران، ۱۳۸۲، صص ۲۲ و ۲۹.

۲. از این طریق است که برخی از اقتصاددانان به موضوع سرمایه‌گذاری از طریق آموزش و وارد کردن آن در الگوی عرضه نیروی کار اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند.

۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ص ۱۳.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۷.

۶. نتایج آمارگیری نیروی کار، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۸.

بیشتر) به جمعیت در سن کار ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰.

$$\text{نرخ مشارکت اقتصادی} = \frac{\text{جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر (۱۵ ساله و بیشتر)}}{\text{جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (۱۵ ساله و بیشتر)}} \times 100$$

**اشتغال ناقص:**<sup>۱</sup> افراد دارای اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سر کار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند.

**نرخ بیکاری:**<sup>۲</sup> عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضربدر ۱۰۰.

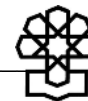
### چارچوب نیروی کار

چارچوب نیروی کار در یک دوره زمانی مشخص که در نمودار ۱ اشاره شده است، بر مبنای مجموعه‌ای از قواعد معین، جمعیت بالاتر از سن تعیین شده، برای سنجش جمعیت فعال اقتصادی را به سه گروه کلی طبقه‌بندی می‌نماید:<sup>۳</sup> شاغلین به علاوه بیکاران، در مجموع نیروی کار یا جمعیت فعال اقتصادی را تشکیل می‌دهند که مقیاسی در مورد کمیت عرضه نیروی کار در دوره مورد نظر به دست می‌دهد. گروه سوم جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی می‌باشند. همچنین گروه دیگر در نمودار ۱، جمعیت خارج از سن کار هستند.

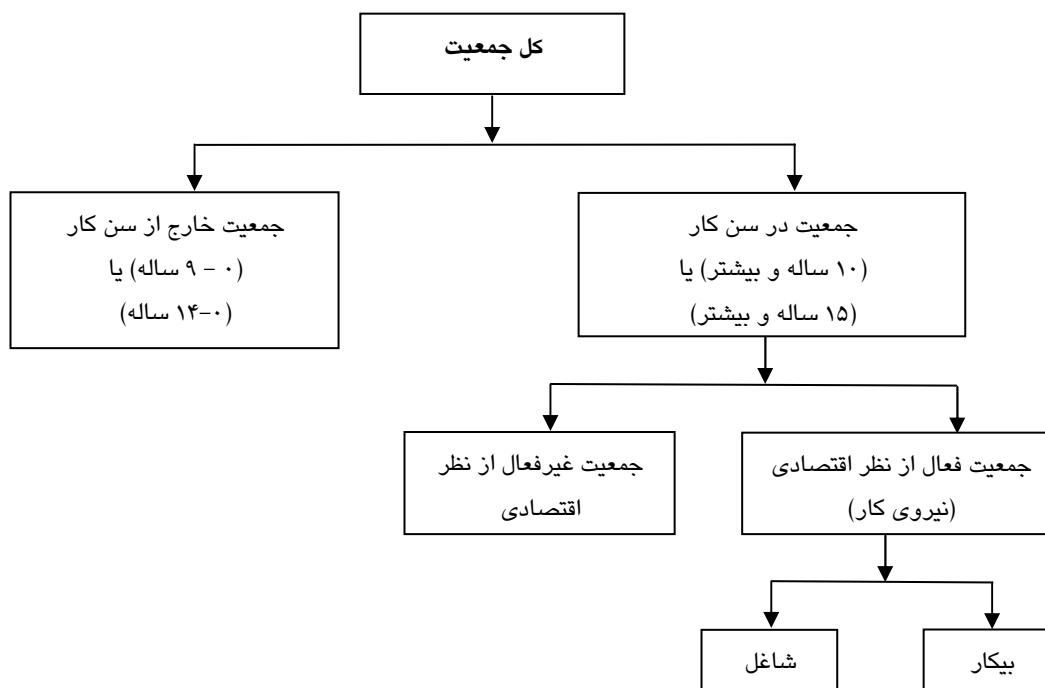
۱. نتایج آمارگیری نیروی کار، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۷.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. رالف و هوسمانز، ۱۳۷۳، صص ۴۰ و ۴۱.



### نمودار ۱. چارچوب نیروی کار



مأخذ: استخراج شده منطبق با تعاریف مرکز آمار ایران یا سازمان بین‌المللی کار.

### مروری اجمالی بر برخی آمارگیری‌های مرتبط با اشتغال

برای تخمین و ارزیابی میزان اشتغال تحقق یافته همچنین نیل به برآوردی از میزان تولید (ستاده)، تجربه جهانی حکایت از وجود منابع آماری متعدد دارد. برخی از این منابع به‌طور اجمالی در ذیل مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

۱. CPS<sup>۱</sup> آمارگیری جمعیت جاری که مبتنی بر آمارگیری خانوار است.
  ۲. CES<sup>۲</sup> آمارگیری اشتغال جاری که داده‌های مربوط به کارفرمایان یا مؤسسات راه‌اندازی شده که مرتبط با مشاغل هستند را به همراه نوع و مکان اشتغال ارائه می‌دهد.
  ۳. UI<sup>۳</sup> اطلاعات مبتنی بر داده‌های بیمه بیکاری از حیث برنامه‌ها و نیازمندی‌ها، بعد مکانی و زمانی تحت پوشش بیمه اشتغال و بیکاری را ارائه می‌دهد.
- براین‌اساس در ذیل به دلیل دایره وسیع بحث صرفاً تفاوت دو آمارگیری CPS و CES که ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این گزارش دارد مورد اشاره قرار می‌گیرد.

---

1. Current Population Survey (CPS)  
2. Current Employment Survey (CES)  
3. Unemployment Insurance (UI)

جدول ۱. برخی نکات و تفاوت موجود میان دو آمارگیری CES و CPS

CES	CPS
<p>- ماهیانه ۱۶۰ هزار کسب‌وکار و مؤسسات دولتی، همه انواع بنگاه‌ها (اعم از کوچک، متوسط و بزرگ) در آمارگیری لحاظ می‌شوند.</p> <p>- طراحی شده برای اندازه‌گیری اشتغال، اطلاعات درآمد به‌همراه جزئیات جغرافیایی و صنعتی</p> <p>- دوره مرجع دوره پرداخت است (می‌تواند هفتگی، یک هفته در میان، ماهیانه و حتی بیشتر باشد) و شامل ۱۲ ماه است</p> <p>- شاغلین همه گروه‌های سنی را دربر می‌گیرد</p> <p>- اندازه‌گیری اشتغال تعداد مشاغل با فیش‌های حقوقی* در بخش غیرکشاورزی را نشان می‌دهد</p> <p>- پدیده چند شغلی از طریق تعداد فیش‌های حقوقی قابل محاسبه است</p> <p>- خوداشتغالی را دربر نمی‌گیرد</p> <p>- بخش کشاورزی در این آمارگیری در نظر گرفته نمی‌شود</p> <p>- کارکنان خانگی (پرستار کودک، افراد خانه‌دار و...) در این آمارگیری در نظر گرفته نمی‌شوند</p> <p>- کارکنان بدون مزد فامیلی (افراد شاغل بدون پرداخت رسمی در کسب‌وکار خانوادگی) در این آمارگیری اشتغال در نظر گرفته نمی‌شوند</p> <p>- کارکنان در حال مرخصی بدون حقوق در دوره مرجع در این آمارگیری در نظر گرفته نمی‌شوند</p>	<p>- آمارگیری نمونه ماهیانه حدود ۶۰ هزار خانوار</p> <p>- طراحی شده برای اشتغال و بیکاری با جزئیات مردم‌نگاری مشخص</p> <p>- دوره مرجع هفتگی است و شامل ۱۲ ماه است</p> <p>- تنها کارکنان ۱۶ ساله و بالاتر را دربر می‌گیرد</p> <p>- اندازه‌گیری اشتغال تعداد افراد شاغل را منعکس می‌نماید</p> <p>- افراد چندشغل فقط یک‌بار به حساب می‌آیند</p> <p>- افراد خوداشتغال را دربر می‌گیرد</p> <p>- بخش کشاورزی را شامل می‌شود</p> <p>- کارکنان خانگی خصوصی را در نظر می‌گیرد</p> <p>- کارکنان بدون مزد فامیلی را در نظر می‌گیرد</p> <p>- کارکنان در حال مرخصی بدون حقوق در طول دوره مرجع در این آمارگیری در نظر گرفته می‌شوند</p>

Source: Kevin (2007) in Bowier morisi (2006).

\* Payroll Jobs.





براین اساس آمارگیری CES برای بررسی تغییرات شغل و ساعت کار در نظر گرفته شده است. در حالی که CPS به طور عمده برای محاسبه تغییرات در نرخ‌ها نظیر نرخ بیکاری یا نرخ مشارکت نیروی کار (نرخ مشارکت اقتصادی) طراحی شده است. تخمین‌های CES هر ساله با سطح اشتغال واقعی از طریق بیمه‌های کارگری و بیکاری ثبت شده تطبیق داده می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است اینکه برای شناخت کامل از وضعیت بازار کار لازم است چند طرح آمارگیری در کنار هم انجام شود به گونه‌ای که جنبه‌های مختلف بازار کار برای محققان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بازار کار قابل بررسی باشد. به بیان دیگر اگر طرح آمارگیری نیروی کار (LFS) که در حال حاضر توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود و صرفاً با مراجعه به خانواده و فرد داده‌های مورد نیاز بازار کار را جمع‌آوری می‌کند، با اضافه کردن سایر طرح‌های آمارگیری مرتبط با بازار کار نظیر آمارگیری ایجاد اشتغال (CES) و UI آمارگیری بیمه بیکاری و... می‌توان به زوایای دیگر مترتب بر بازار کار و اشتغال و بیکاری دست یافت.

به طور کلی از آنجا که پوشش بازار کار در آمارگیری خانوار وسیع‌تر است، عمده اقتصاددانان شاید بر آمارگیری ایجاد<sup>۱</sup> (CES) تأکید بیشتری داشته باشند آن هم به دلیل آنکه به تعداد نمونه بزرگ‌تر و نیز انعطاف‌پذیری کمتر از آمارگیری خانوار (CPS) استوار شده است. به طور خاص این استدلال بر این فرض استوار است که در نمونه‌گیری آماری از جمعیت، نمونه بزرگ‌تر دقت بیشتری را در مقایسه با نمونه کوچک‌تر تخمین به دست می‌دهد. به عنوان مثال در آمارگیری ارائه شده از سوی BLS<sup>۲</sup> در آمریکا، آمارگیری کسب و کار و نهادهای دولتی شامل حدود ۴۰۰ هزار محل کار فردی<sup>۳</sup> است. بنابراین BLS به طور ضمنی کمی بیشتر از ۴۵ میلیون کارگر را آمارگیری می‌کند. در مقابل، CPS شامل ۶۰ هزار خانوار (حدود ۷۶ هزار کارکن) است که این تنها ۰/۰۵ درصد از کل خانوارها و ۰/۲ درصد از آنهایی که به طور ضمنی توسط CES آمارگیری می‌شوند را نشان می‌دهد.

## آمارگیری نیروی کار در ایران

به طور کلی چارچوب نیروی کار در ایران از قالب ارائه شده در جدول ۲ تبعیت می‌کند.

---

1. Establishment Survey  
2. Bureau of Labor Statistics (BLS)  
3. Individual Worksites

جدول ۲. چارچوب نیروی کار در ایران

افراد زیر ۱۰ سال				
بخش عمومی	مزدبگیر	شاغل	جمعیت فعال	افراد ۱۰ ساله و بیشتر
بخش خصوصی				
بخش تعاونی				
کارفرمایان	غیر مزدبگیر			
کارکنان مستقل				
کارکنان (فامیلی بدون مزد)				
(در جستجوی کار و آماده به کار)		بیکار		
کسی که قبلاً شاغل بوده است				
		محصل	جمعیت غیرفعال	
		بازنشستگان و مستمری‌بگیران		
		خانه‌دار		
		ازکارافتادگان		
		کسانی که کار می‌کنند	جمعیتی که به‌طور جداگانه محاسبه می‌شوند *	
		کسانی که کار نمی‌کنند		

مأخذ: با استفاده از منابع مرکز آمار ایران.

نکته: مطابق با تعریف جدید کار، در صورتی که فرد محصل در زمان هفته مرجع در جستجوی کار بوده، جزء جمعیت فعال محسوب می‌شود.

\* به‌عنوان مثال جمعیت افراد غایب از دوره خدمت ضرورت در هر دوره آمارگیری است که البته این جمعیت محدود هستند.

در گذشته، نیازهای آماری بخش نیروی انسانی در کشور از طرح‌های آماری جمعیتی مرکز آمار ایران و طرح‌های نمونه‌گیری وزارت کار و امور اجتماعی تأمین می‌شد. ازجمله مهمترین این طرح‌ها که نتایج آن به‌صورت نشریه منتشر شده است، عبارت است از:

- آمارگیری نمونه‌ای نفوس، توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۴۷.

- آمارگیری نیروی انسانی، توسط اداره کل آمار و نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی

در سال‌های ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱.

- آمارگیری جمعیت شهری و روستایی در سال ۱۳۵۰، توسط مرکز آمار ایران.

- آمارگیری اشتغال و بیکاری در تابستان ۱۳۸۵ توسط کارکنان داوطلب مرکز آمار ایران در

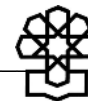
سطح شهر تهران.

- طرح بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال که براساس توصیه اداره کل نیروی

انسانی وزارت کار و امور اجتماعی در بهار سال ۱۳۶۱ همراه با توزیع کوپن ارضاق توسط بانک‌ها

و فقط در بین خانوارهای شهری انجام گرفته است.

- طرح آمارگیری خصوصیات اجتماعی - اقتصادی که در سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ در ۱۲



مرحله و نیز در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ در چهار مرحله به صورت تعاقبی انجام گرفته است. علاوه بر این، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ همواره حاوی اطلاعاتی در زمینه شاخص‌های اشتغال و بیکاری بوده است. از آنجا که هدف کلی آمارگیری‌های نمونه‌ای نفوس، دستیابی به شاخص‌های نیروی کار نبوده و همچنین با توجه به فاصله زمانی ده‌ساله بین اجرای سرشماری‌ها، این منابع قادر به پاسخگویی کامل نیازهای برنامه‌ریزی در زمینه شاخص‌های نیروی کار نبوده‌اند. در سال ۱۳۷۳ طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار با هدف ارائه اطلاعات آماری در زمینه شاخص‌های نیروی کار، توسط مرکز آمار ایران طراحی و با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی اجرا شد. در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به دلیل درگیری مرکز آمار ایران در اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، طرح مزبور به مرحله اجرا در نیامد، اما با تأکید بر برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مبنی بر ضرورت دستیابی به شاخص‌های نیروی کار، طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار در آبان‌ماه سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با هدف دستیابی به شاخص‌های نیروی کار در کل کشور، نقاط شهری و روستایی و استان‌ها با حجم نمونه‌ای در حدود ۱۱۰ هزار خانوار اجرا شد. پس از آن، با ابراز نیاز برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی - اجتماعی کشور درخصوص شاخص‌های فصلی نیروی کار، طرح مذکور از سال ۱۳۸۰ با حفظ ویژگی‌های خود در ماه‌های میانی هر فصل، به مرحله اجرا درآمد و تا سال ۱۳۸۲ این روند ادامه یافت. در سال ۱۳۸۳ براساس سیاستگذاری‌های مسئولان مرکز آمار ایران، طرح مزبور در فصل بهار با همان ویژگی‌ها و در فصل پاییز با هدف دستیابی به شاخص‌های نیروی کار در سطح کل کشور، نقاط شهری و روستایی با حجم نمونه‌ای در حدود ۱۲ هزار خانوار اجرا شد. در پی اعلام نیاز بخش برنامه‌ریزی کشور به شاخص‌های فصلی نیروی کار و همزمان با اجرای طرح آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار به صورت فصلی از سال ۱۳۸۰، پژوهشکده آمار بنا به درخواست مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار را به منظور دقت بیشتر در دستیابی به شاخص‌های نیروی کار تهیه کرد. این طرح با هدف دستیابی به شاخص‌های فصلی و سالیانه نیروی کار و تغییرات آن در سطح کل کشور و استان‌ها، از بهار ۱۳۸۴ اجرا شده است.

### بازار کار در برنامه پنجم توسعه (زمینه‌ها و چشم‌انداز)

مطابق با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و برای نیل به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی لازم است به موضوع استفاده بهینه از نیروی کار،

به‌ویژه نیروی کار متخصص توجه بیشتری شود. از جمله نکات مهم که در سیاست‌های کلی حاکم بر برنامه پنجم توسعه مورد تدقیق قرار گرفته است، کاهش نرخ بیکاری به ۷ درصد در پایان آن برنامه است. از این رو مواد مرتبط با اشتغال و کارآفرینی در برنامه پنجم توسعه به شرح جدول ۳ ارائه شده است:

**جدول ۳. مواد مرتبط با اشتغال و کارآفرینی در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران**

ماده	موضوع - منظور	اثر مستقیم - غیرمستقیم بر اشتغال	دستگاه مجری
۲۴	تدوین سند راهبردی «ارتقای سطح شاخص توسعه انسانی»	غیرمستقیم	هیئت وزیران
۲۵	تنظیم سند ملی کار شایسته تا پایان سال اول برنامه	غیرمستقیم	وزارت کار
۷۳	اصلاح قانون کار و قانون تأمین اجتماعی تا پایان سال اول برنامه	مستقیم	وزارت کار
۷۶	شناسایی قوانین و بخشنامه‌های مخل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران و ارائه پیشنهاد اصلاح قوانین، حمایت از اشتغال و ...	مستقیم	اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران
۸۰	ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی و کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای حمایت از SMEs، گسترش کسب‌وکار خانگی ...	مستقیم	----
۱۲۴	ایجاد اشتغال از طریق تعاون و افزایش سهم بخش ...	مستقیم	وزارت تعاون
۱۹۴	توسعه روستایی و حمایت از گسترش فعالیت‌های کسب‌وکار، خوشه‌ها و ... فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زا در مناطق روستایی	مستقیم	----

مأخذ: قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.

برای پیش‌بینی شاخص‌های بازار کار می‌توان از دو روش ادامه روند گذشته و وضعیت مطلوب استفاده کرد.

### - گزینه ادامه روند موجود

روند تغییرات متغیرها و شاخص‌های بازار کار تا سال ۱۳۹۳ با فرض ادامه روند موجود در جدول ۴ نشان داده شده است.



## جدول ۴. پیش‌بینی تحولات بازار کار برنامه پنجم براساس روند گذشته (۱۳۷۵-۱۳۸۵)

(واحد به هزار نفر - درصد)

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	نرخ فعالیت	نرخ بیکاری	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار
۱۳۷۵	۲۵۴۰۱	۳۵/۳	۹/۰۸	۱۶۰۲۶	۱۴۵۷۱	۱۴۵۵
۱۳۸۵	۵۹۵۲۳	۳۹/۴	۱۲/۸	۲۳۴۶۹	۲۰۴۷۷	۲۹۹۲
۱۳۹۳*	۶۵۵۸۳	۴۷/۷	۱۳/۸	۳۱۲۵۴	۲۶۹۳۴	۴۳۱۹
متوسط رشد سالیانه در برنامه پنجم	۲/۷	۴/۱	۳/۷	۳/۹	۳/۵	۷/۵

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی - مستندات کلان برنامه، ۱۳۸۸.

\* شایان ذکر است که برنامه پنجم در پایان سال ۱۳۹۴ به اتمام می‌رسد ولی این مستندات بر پایه پایان برنامه سال ۱۳۹۳ تنظیم شده است.

در صورت ادامه روند گذشته پیش‌بینی شده است که جمعیت شاغل با نرخ رشد سالیانه ۳/۵ درصد به حدود ۲۶,۹۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۳ برسد. بنابراین نرخ بیکاری حاصل از تعامل دو بعد عرضه و تقاضا در سال مذکور برابر با ۱۳/۸ درصد برآورد می‌شود که در مقایسه با سال ۱۳۸۵ حدود ۱/۰ واحد درصد بیشتر است. افزایش نرخ بیکاری در طی این دوره به علت افزایش نرخ مشارکت (نرخ فعالیت) در سال‌های آینده و عدم ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با آن است.

## - گزینه مطلوب

روند تغییر و تحولات شاخص‌های بازار کار تا سال ۱۳۹۳ با فرض تحقق گزینه مطلوب در جدول ۵ نشان داده شده است.

## جدول ۵. پیش‌بینی شاخص‌های کلیدی بازار کار در برنامه پنجم

(واحد به هزار نفر - درصد)

سال	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر	جمعیت فعال	جمعیت شاغل	جمعیت بیکار	نرخ مشارکت کل	نرخ بیکاری کل
۱۳۸۶	۶۰۲۲۸	۲۴۱۹۲	۲۱۳۰۱	۲۸۹۱	۴۰/۱	۱۰/۷
۱۳۸۸	۶۱۵۹۵	۲۴۷۴۷	۲۲۹۹۶	۲۷۸۱	۴۱/۸	۱۰/۸
۱۳۹۳	۶۵۰۶۵	۲۹۹۶۲	۲۷۸۶۵	۲۰۹۷	۴۶/۱	۷/۰
متوسط رشد سالیانه در برنامه پنجم	۱/۱۰	۳/۱	۳/۹	-۵/۵	—	—

مأخذ: همان.

بر مبنای نرخ مشارکت کل نیروی کار در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، پیش‌بینی شده است که تعداد جمعیت فعال کشور از ۲۴۱۹۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۶ به ۲۴۷۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۸۸ و با متوسط رشد سالیانه ۳/۱ به ۲۹۹۶۲ هزار نفر در سال ۱۳۹۳ برسد. بر این اساس عرضه جدید نیروی کار در

برنامه پنجم توسعه سالیانه به‌طور متوسط ۸۴۳/۲ هزار نفر خواهد بود. یعنی براساس گفته اخیر دولت، در سال ۱۳۸۹، در حدود ۲ برابر عرضه جدید نیروی کار، اشتغال ایجاد شده است که می‌توان آن را با وجود مستندات ارائه شده توسط دولت برای برنامه پنجم، با دیده تردید نگریست و شاید اعلام‌کنندگان آمارهای مربوط به نیروی کار باید با در نظر داشتن تعاریف دقیق در این حوزه، موارد مورد نظر خود را اعلام نمایند. به فرض اگر در یک استان کشور در یک سال ۱۰۰,۰۰۰ شغل جدید ایجاد شده باشد ولی در همان سال فرضاً ۶۰,۰۰۰ نفر کار خود را از دست داده باشند، برآیند این دو اثر در متغیرهای نیروی کار مهم است و نه صرف اعلام یکی از متغیرها.

از سوی دیگر با توجه به بند «د» ماده (۲۳۴) قانون برنامه پنجم توسعه که بر کاهش نرخ بیکاری در سطح ۷ درصد در سال پایانی برنامه تصریح کرده است، لازم است به‌طور متوسط سالیانه ۹۸۰ هزار نفر بر جمعیت شاغل کشور افزوده شود که به معنی رشد اشتغال سالیانه به میزان ۳/۹۴ درصد است. به بیان دیگر، برای کاهش نرخ بیکاری در هدف سال پایان برنامه، باید بیش از عرضه جدید نیروی کار، شغل ایجاد کرد.

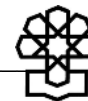
براین اساس چنانچه فرصت‌های شغلی پیش‌بینی شده در برنامه پنجم تحقق یابد، تعداد جمعیت بیکار کشور از ۲۸۹۱ هزار نفر در سال ۱۳۸۶ با درصد تغییر متوسط سالیانه منفی ۵/۵ درصد به ۲۰۹۷ هزار نفر در انتهای این برنامه خواهد رسید.

البته اکثر متغیرهای اقتصادی با یکدیگر ارتباط سیستماتیک دارند و امکان دستیابی به گزینه مطلوب مورد اشاره تنها با رشدهای اقتصادی هدفگذاری شده و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برنامه‌ریزی شده میسر می‌باشد.

### تغییر و تحولات بازار کار طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۸

الف) سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن با نگاهی به آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ در مقایسه با سال ۱۳۷۵، از حیث عرضه و تقاضای نیروی کار مشاهده می‌شود که طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط سالیانه عرضه جدید نیروی کار حدود ۷۴۴ هزار نفر و متوسط سالیانه خالص ایجاد اشتغال حدود ۵۹۰ هزار فرصت شغلی بوده است که در نتیجه فزونی عرضه جدید نیروی کار، تعداد بیکاران در این دوره افزایش یافته است و نرخ بیکاری از ۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۸۵ بالغ گردیده است.

به‌طور خاص در ارتباط با نرخ بیکاری جمعیت جوان کشور از (۱۵-۲۹ سال) از ۱۴/۸ درصد



در سال ۱۳۷۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. لذا باید گفت مهمترین مسئله بازار کار ایران، بالا بودن نرخ بیکاری و حجم بیکاران جوان در کشور است.<sup>۱</sup>

در جدول ۶ تحولات اشتغال ایجاد شده به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۵ به‌طور اجمالی مورد اشاره قرار گرفته است:

---

۱. مستندات کلان برنامه پنجم (بازار کار)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مهرماه ۱۳۸۸، ص ۱۶.

جدول ۶. خالص ایجاد اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ (واحد به نفر - درصد)

بخش غیر نفتی	جمع	غیر قابل طبقه‌بندی	خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی، خانگی	خدمات املاک و مستغلات، حرفه‌ای و تخصصی	خدمات مؤسسات مالی و پولی	ارتباطات	حمل و نقل و انبارداری	بازرگانی، رستوران و هتداری	ساختمان	آب، برق و گاز	صنعت	معادن	نفت	کشاورزی	سال
۱۴۴۶۶۷۵۷	۱۴۵۷۱۵۷۲	۲۵۷۰۲۸	۳۲۸۲۵۰۲	۱۴۹۰۹۰	۱۵۲۸۷۲	۸۱۹۵۲	۸۹۰۸۴۰	۱۹۲۷۰۶۷	۱۶۵۰۴۸۱	۱۵۰۶۳۱	۲۵۲۶۹۵۶	۴۰۰۷۵	۱۰۴۸۱۵	۳۳۵۷۲۶۳	۱۳۷۵ شاغلین
۲۰۳۵۱۸۰۳	۲۰۴۷۶۳۴۳	۴۸۷۵۰۷	۴۱۳۲۷۴۴	۴۴۳۲۰۴	۲۷۱۳۶۶	۱۸۳۷۰۶	۱۷۵۸۲۰۳	۳۰۱۹۴۶۸	۲۶۳۱۱۴۲	۲۲۴۸۱۱	۳۴۴۵۹۷۰	۶۶۹۳۵	۱۲۴۵۴۰	۳۶۸۶۷۴۷	۱۳۸۵ شاغلین
۵۸۸۵۰۵	۵۹۰۴۷۷	۲۳۰۴۸	۸۵۰۲۴	۲۹۴۱۱	۱۱۸۴۹	۱۰۱۷۵	۸۶۷۳۶	۱۰۹۲۴۰	۹۸۰۶۶	۷۴۱۸	۹۱۹۰۱	۲۶۸۶	۱۹۷۳	۳۲۹۴۸	متوسط سالیانه خالص اشتغال ایجاد شده
۳/۵	۳/۵	۶/۶	۲/۳	۱۱/۵	۵/۹	۸/۴	۷/۰	۴/۶	۴/۸	۴/۱	۳/۲	۵/۳	۱/۷	۰/۹	متوسط رشد سالیانه اشتغال

مأخذ: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی با استناد از داده‌های مرکز آمار ایران، مستندات کلان برنامه پنجم (بازار کار)، مهرماه ۱۳۸۸، ص ۳۱.





ب) بررسی تغییرات و تحولات بازار کار طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۸ بر مبنای نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار

جدول ۷. نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار از سال ۱۳۸۴ تا بهار ۱۳۸۹ مرکز آمار ایران

(واحد به نفر - درصد)

سال	جمعیت کل کشور (۰)*	جمعیت فعال اقتصادی ده ساله و بیشتر (۱)	تعداد بیکاران (۲)	تعداد شاغلان				نرخ بیکاری (درصد) (۷)	نرخ فعالیت مشارکت (درصد) (۸)	اشتغال ناقص (درصد) (۹)	بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ سال	
				کل (۳)	کشاورزی (۴)	صنعت (۵)	خدمات (۶)				(درصد) (۱۰)	(تعداد) (۱۱)
۱۳۸۴	۶۹۳۰۰۰۰۰	۲۳۲۹۳۴۴۵	۲۶۷۴۸۶۶	۲۰۶۱۴۶۶۷	۵۰۹۹۹۶۶	۶۲۵۷۰۸۹	۹۲۵۷۶۱۲	۴۱/۰	۷/۴	۲۰/۶	۱۹۲۶۸۹۶	
۱۳۸۵	۷۰۴۰۰۰۰۰	۲۳۴۸۴۰۶۸	۲۶۴۲۶۴۸	۲۰۸۳۶۲۶۳	۴۸۲۷۱۸۸	۶۶۰۴۹۰۹	۹۴۰۴۱۶۶	۴۰/۴	۷/۰	۲۰/۸	۱۹۱۳۶۱۷	
۱۳۸۶	۷۱۵۰۰۰۰۰	۲۳۵۷۸۷۱۵	۲۴۸۶۲۳۸	۲۱۰۸۸۸۹۷	۴۸۰۹۵۵۲	۶۷۵۹۵۱۴	۹۵۱۹۸۳۱	۳۹/۸	۶/۴	۲۰/۰	۱۸۰۳۹۸۲	
۱۳۸۷	۷۲۵۰۰۰۰۰	۲۳۸۹۲۴۸۹	۲۳۹۲۱۷۹	۲۰۴۸۳۲۴۵	۴۳۴۴۳۸۰	۶۶۱۰۶۵۷	۹۵۲۸۲۰۸	۳۸/۰	۷/۹	۲۰/۴	۱۷۴۷۳۳۶	
۱۳۸۸	۷۳۶۰۰۰۰۰	۲۳۸۴۰۶۷۶	۲۸۳۹۹۷۳	۲۱۰۰۰۷۰۹	۴۳۸۰۱۱۲	۶۶۷۵۰۴۸	۹۹۴۵۵۴۹	۳۸/۹	۹/۵	۲۲/۱	۱۹۲۲۹۸۰	
بهار ۱۳۸۹	—	۲۴۲۰۴۲۰۱	۳۵۲۵۶۴۰	۲۰۶۷۸۵۵۹	۴۳۶۹۵۶۸	۶۴۴۶۲۱۷	۹۸۶۲۷۷۴	۳۹/۰	۹/۵	۲۶/۱	۲۲۲۹۵۶۷	

مأخذ: مرکز آمار ایران.

\* اعداد گرد شده است.

همان‌طور که در جدول ۷ (ستون ۸) ملاحظه می‌شود نرخ فعالیت (مشارکت) از سال ۱۳۸۴ تا بهار ۱۳۸۹ روند کاهشی داشته است و از ۴۱/۰ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۹/۰ درصد در بهار سال ۱۳۸۹ رسیده است. جمعیت فعال اقتصادی (ستون ۱) از سال ۱۳۸۴ که ۲۳۲۹۳۴۴۵ بوده است به ۲۴۲۰۴۲۰۱ در بهار سال ۱۳۸۹ رسیده است که حدود ۹۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است که با توجه به رشد جمعیت جوان این تغییر بسیار کم بوده است.

تعداد کل شاغلان که در سال ۱۳۸۴ معادل ۲۰۶۱۴۶۶۷ بوده است در بهار سال ۱۳۸۹ به ۲۰۶۷۸۵۵۹ رسید که تغییر چندانی نکرده است.

تعداد شاغلان در بخش کشاورزی (ستون ۴) به‌ویژه از سال ۱۳۸۶ به بعد کاهش شدید یافته است.

تعداد بیکاران (ستون ۲) که در سال ۱۳۸۴ برابر ۲۶۷۴۸۶۶ بوده است در بهار سال ۱۳۸۹ به ۳۵۲۵۶۴۰ رسیده است که حدود ۸۵۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است.

نرخ بیکاری (ستون ۷) که در سال ۱۳۸۴ برابر ۱۱/۵ درصد بوده است به ۱۴/۶ درصد در بهار سال ۱۳۸۹ رسیده است.

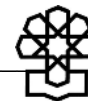
این نتایج نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۴ تاکنون نه‌تنها به تعداد شاغلان اضافه نشده است، بلکه تعداد بیکاران نیز افزایش قابل توجهی داشته است، در نتیجه اگر شغل جدیدی ایجاد شده باشد تقریباً به همان نسبت شاغلان نیز بیکار شده‌اند.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ سال (ستون ۱۰) که در سال ۱۳۸۴ برابر ۲۰/۶ درصد بود به ۲۶/۱ درصد در بهار سال ۱۳۸۹ رسیده است. ضمن اینکه این نرخ افزایش قابل توجهی داشته است، متوسط نرخ بیکاری جوانان از متوسط نرخ بیکاری در کل بسیار بیشتر و حدود دو برابر آن است. تعداد جوانان بیکار (ستون ۱۱) که در سال ۱۳۸۴ برابر ۱,۹۲۶,۸۶۶ نفر بوده است در بهار سال ۱۳۸۹ به ۲۳۲۹۵۶۷ نفر رسیده است که افزایش قابل توجهی داشته است.

آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران آمار بیکاران بر مبنای سطح تحصیل آورده نشده است ولی با توجه به اینکه آمار بیکاران در جوانان (که اکثر آنها دارای تحصیلات بالا هستند) زیاد می‌باشد می‌توان انتظار داشت که نرخ بیکاری برای افراد تحصیلکرده نیز بالاتر از میانگین نرخ بیکاری باشد (آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی در سال‌های گذشته نشان می‌داد که در مناطق شهری نرخ بیکاری افراد تحصیلکرده بسیار بالاتر از متوسط نرخ بیکاری است).

همان‌طور که در ستون ۹ جدول ۷ مشاهده می‌شود درصد اشتغال ناقص<sup>۱</sup> که در سال ۱۳۸۴ برابر ۷/۴ درصد بوده است در بهار سال ۱۳۸۹ به ۹/۵ درصد رسیده است که با این حساب درصد

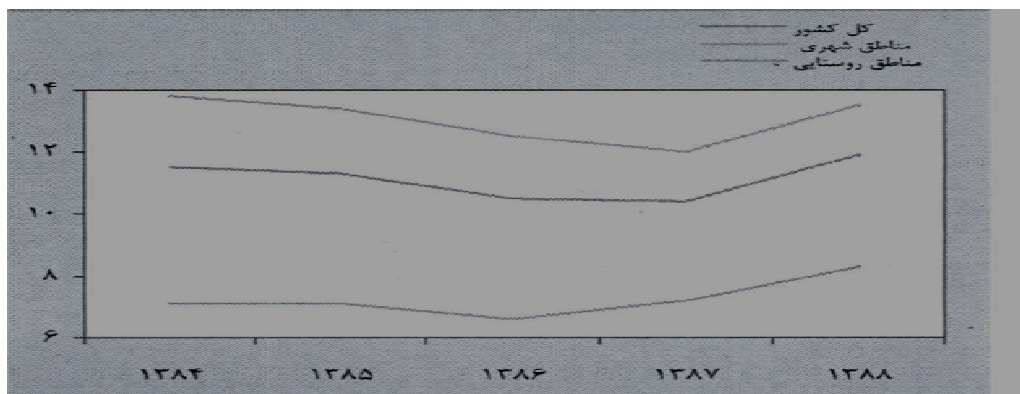
۱. برای آگاهی از تعریف اشتغال ناقص به صفحه ۴ گزارش رجوع نمایید.



افرادی که یا بیکار هستند یا به اندازه مورد نیاز نمی‌توانند کار کنند در بهار ۱۳۸۹ به رقم ۲۴/۱ درصد بالغ می‌گردد.

نتایج آمارگیری از نیروی کار از سال ۱۳۸۴ تاکنون نشان می‌دهد که ادعای برخی که عنوان می‌کنند که در طول این سال‌ها وضعیت نیروی کار بهبود یافته است، درست نیست.

نمودار ۲. نرخ بیکاری برحسب مناطق شهری و روستایی (واحد به درصد)



نمودار ۲ تحولات نرخ بیکاری را به تصویر کشیده است. آنچه از حیث نظری قابل ذکر است اینکه در سطوح بالای نرخ بیکاری، انتظار می‌رود که نرخ مشارکت (فعالیت) کاهش یابد در جدول ۷ چنانچه ملاحظه می‌شود نرخ مشارکت از ۴۱/۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۳۸/۹ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است درحالی که در همان فاصله زمانی، نرخ بیکاری افزایش یافته است که این پدیده یا اثر به‌عنوان «اثر مایوس‌کنندگی»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود.

در کل مقایسه تقاضا و عرضه نیروی کار در سال‌های اخیر نشان می‌دهد با وجود افزایش فرصت‌های شغلی، میزان فرصت‌های شغلی ایجاد شده پاسخگوی نیازهای بازار کار نبوده و تقاضا برای نیروی کار به میزان عرضه رشد نکرده است. این امر منجر به رشد قابل توجه نرخ بیکاری در میان جوانان، زنان و افراد تحصیلکرده شده است. به‌ویژه اینکه براساس آخرین آمار سالیانه موجود در این سال نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله در سال ۱۳۸۸ به ۲۴/۷ درصد رسید که در مقایسه با سال قبل از آن ۱/۷ واحد درصد افزایش داشته است.<sup>۲</sup>

نرخ بیکاری زنان و مردان در سال ۱۳۸۸ به ترتیب ۱۶/۸ و ۱۰/۸ درصد بود که در مقایسه با سال گذشته نشان‌دهنده افزایش نرخ بیکاری زنان و مردان به ترتیب به میزان ۰/۱ و ۱/۷ واحد درصد است.<sup>۳</sup>

1. Despair Effect

۲. بانک مرکزی - الف، ۱۳۸۹، ص ۱۵.

۳. همان.

### سیاست‌گذاری اقتصادی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری محرک‌های اصلی اشتغال

بدیهی است که رشد اقتصادی پایدار و مستمر از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی نقش بسزایی در بالفعل نمودن ظرفیت‌های اقتصادی اشتغال کامل و عوامل تولید دارد. طبعاً با تحقق این مهم، فرصت‌های مناسب شغلی نیز ایجاد خواهد شد.

براین اساس جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز، اقتصاد ایران نیازمند رشد مستمر و پرشتاب است که دولت آن را حداقل سالیانه ۸ درصد در طول برنامه پنجم برآورد کرده است.

متأسفانه از سال ۱۳۸۷ اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در زمینه رشد اقتصادی کشور انتشار رسمی نیافته است و پیش‌بینی‌های سازمان‌های بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول حکایت از فاصله قابل توجه با رشد اقتصادی هدفگذاری شده (۸ درصد) دارد. بنابراین ایجاد شغل‌های غیرپایدار با دادن یارانه‌ها و سیاست‌های منفعل نیروی کار نمی‌تواند مشکل بیکاری کشور را به صورت اصولی حل نماید. به بیان دیگر رشد اقتصادی قابل توجه بدون سرمایه‌گذاری‌های مولد و پربازده امکانپذیر نیست در واقع اشتغال برآیند یک زنجیره اقتصادی است که امکان دستیابی به نرخ بیکاری پایین و ایجاد اشتغال خالص موردنظر بدون توجه به کل زنجیره اقتصادی فراهم نمی‌شود.

#### جدول ۸. پیش‌بینی رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری هدفگذاری شده در برنامه پنجم

(واحد به درصد)

متوسط برنامه پنجم	برنامه پنجم		۱۳۸۶	شاخص
	۱۳۹۳*	۱۳۸۹		
۸	۹/۳	۷	۶/۹	رشد اقتصادی
۱۱	۱۳/۹	۹	۶	رشد سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت ۱۳۸۶

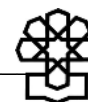
مأخذ: مستندات کلان برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۸، ص ۲۶.

\* سال پایانی برنامه پنجم ۱۳۹۴ است در حالی که در مستندات اولیه ۱۳۹۳ در نظر گرفته شده بود.

مطابق با آخرین سند منتشره آمارهای مقدماتی بخش واقعی اقتصاد توسط بانک مرکزی رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶) در ۶ ماهه نخست ۱۳۸۷ به ۲/۷ درصد کاهش یافته است این در حالی است که در دوره مشابه سال ۱۳۸۶<sup>۱</sup> رشد مذکور معادل ۸ درصد بوده است.<sup>۲</sup> کاهش رشد اقتصادی تا سطحی کمتر از ۳ درصد در تجربه سال‌های گذشته امری بی‌سابقه است. این در حالی است که برابر با آمار رسمی منتشره توسط صندوق بین‌المللی پول کشورهای

۱. رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۶ معادل ۶/۷ درصد بوده است.

۲. مطابق با پیش‌بینی اخیر صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران برای سال ۱۳۸۸، ۱/۸ درصد و برای سال ۱۳۸۹، ۱ درصد اعلام شده که هنوز بانک مرکزی به‌عنوان مرجع رسمی آمار رشد اقتصادی اعلام موضع ننموده است.



صادرکننده نفت در سال ۲۰۰۷ رشد ۵/۶ درصدی و کشورهای خاورمیانه رشد ۵/۹ درصدی را تجربه کرده‌اند. همچنین برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ رشد کشورهای صادرکننده به ترتیب ۳/۸ و ۵ درصد پیش‌بینی می‌شوند و البته در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رشد مذکور برای سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به ترتیب ۴/۳ و ۴/۸ برآورد شده است.<sup>۱</sup> بی‌شک تدقیق بر عوامل درون‌زای رشد اقتصادی به‌ویژه موضوع سرمایه انسانی و البته بهره‌وری نیروی کار در کنار عواملی چون سیکل‌های نفتی، سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و... در توجیه پایین بودن نرخ رشد مذکور نقش بسزایی ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال یکی از شاخص‌های کلان اقتصادی درخصوص بهره‌وری و سرمایه انسانی، نرخ به‌کارگیری نیروی کار<sup>۲</sup> است که رقم مذکور در سال ۱۳۸۶، ۲۹/۷ درصد شده است این درحالی است که این نسبت برای کشورهای اتحادیه اروپا، آمریکا و چین حدود ۵۰ درصد و بالاتر است.<sup>۳</sup>

شاید موضوعی که ذکر آن در توجیه کامل‌تر مطلب، مفید به‌نظر می‌رسد مسئله تولید ناخالص داخلی سرانه است. به‌طور کلی تولید ناخالص داخلی سرانه را می‌توان در هر اقتصادی برحسب عوامل تعیین‌کننده نیروی کار توضیح داد. در این راستا، چنانچه در اقتصاد یک کشور،  $Y$  بیانگر تولید ناخالص داخلی،  $P$  جمعیت کشور،  $E$  جمعیت فعال و  $L$  نیز جمعیت شاغل باشد می‌توان رابطه زیر را بیان نمود به‌طوری که  $(\frac{Y}{L})$  بیانگر بهره‌وری نیروی کار،  $\frac{Y}{P}$  تولید ناخالص داخلی سرانه،  $(\frac{E}{P})$  نرخ مشارکت و  $(\frac{L}{E})$  نرخ اشتغال است.

$$\frac{Y}{L} = \frac{Y}{P} \times \frac{P}{E} \times \frac{E}{L}$$

اگر از طرفین رابطه فوق لگاریتم گرفته و مشتق آن محاسبه شود، رابطه زیر که بیان‌کننده

تولید ناخالص داخلی سرانه برحسب عوامل تعیین‌کننده نیروی کار است بیان می‌شود:

رشد نرخ اشتغال + رشد نرخ مشارکت + رشد بهره‌وری نیروی کار = نرخ رشد (GDP) سرانه

براساس آخرین آمار رسمی، جدول ۹ تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه و سایر

شاخص‌های نیروی کار طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶ را نشان می‌دهد.

1. IMF, 2010, P.2.

۲. هرچند به میزان ساعت کار واقعی نیروی کار دسترسی وجود ندارد ولی از تقسیم جمعیت شاغل به کل جمعیت به‌عنوان یک شاخص جایگزین استفاده شود.

۳. بانک مرکزی - ب، ۱۳۸۹، ص ۱۱.

جدول ۹. محاسبه رشد GDP سرانه و شاخص‌های مرتبط با آن

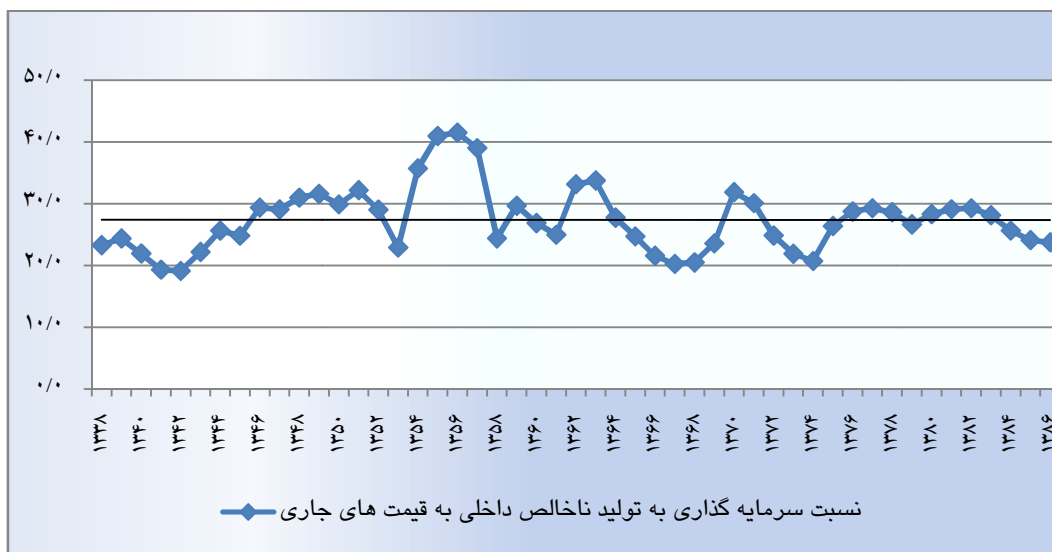
(واحد به درصد)

سال	رشد GDP سرانه	رشد بهره‌وری نیروی کار	رشد نرخ مشارکت	رشد نرخ اشتغال
۱۳۸۴	۵/۶	۳/۵	۱/۹	۰/۱
۱۳۸۵	۵/۰	۲/۵	۳/۵	-۱/۱
۱۳۸۶	۵/۳	۳	-۱	۳/۳

مأخذ: استفاده از داده‌های بخش بهره‌وری بانک مرکزی، <http://www.cbi.ir>

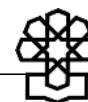
به طوری که در جدول فوق مشاهده می‌شود در سال ۱۳۸۶، رشد منفی نرخ مشارکت بر GDP سرانه به میزان ۱ درصد تأثیر گذاشته است. هرچند نرخ اشتغال در سال مذکور ۳/۳ درصد رشد داشته است. شاخص کلیدی دیگر که بر مؤلفه‌های نیروی کار تأثیرگذار است، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری<sup>۱</sup> و نیز رشد سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت است. در نمودار ۳ و ۴ اطلاعات این شاخص‌ها در سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۶ ارائه شده است.

نمودار ۳. روند نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی بر حسب قیمت‌های جاری

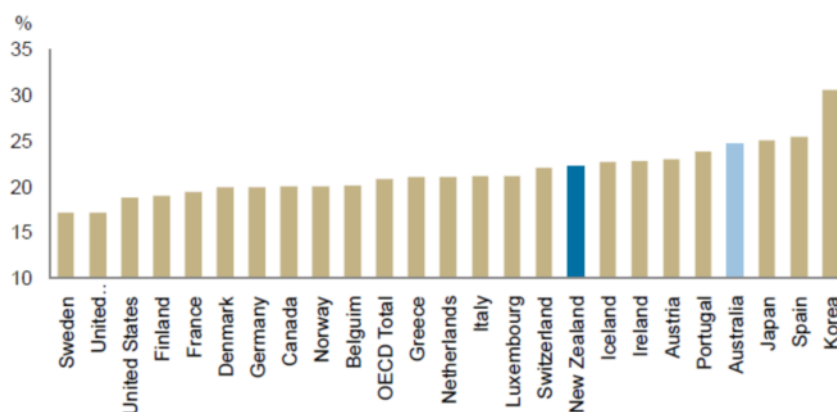


مأخذ: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱. در محاسبه نسبت‌ها طبق استاندارد آماری صورت و مخرج باید به قیمت‌های جاری باشد.



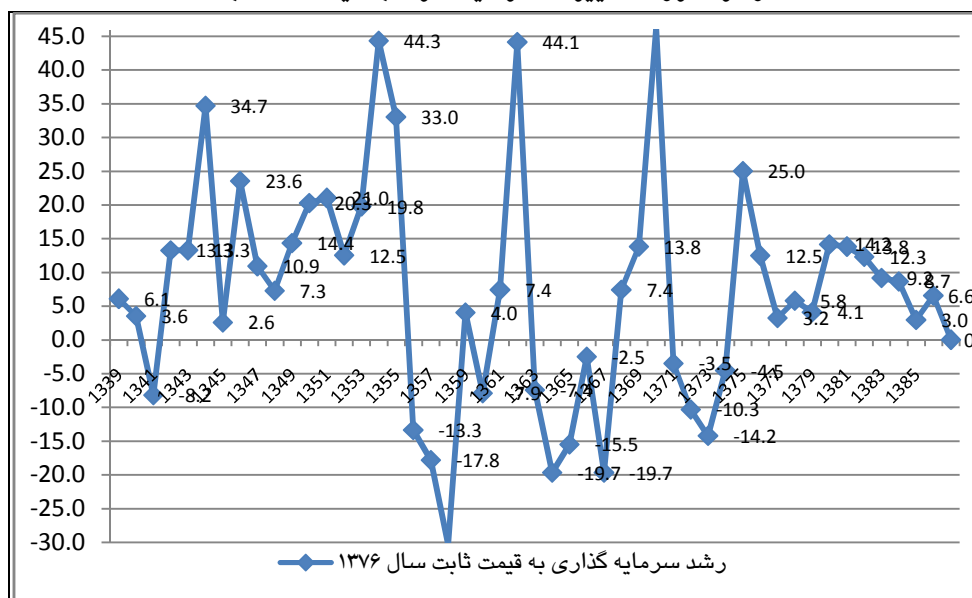
#### نمودار ۴. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بر حسب سهم از GDP طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۷



Source: OECD.

مقایسه ارقام نمودار ۳ با نمودار ۴ نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با کشورهای OECD، نسبت بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را سرمایه‌گذاری کرده است، اما این در شرایطی است که این میزان سرمایه‌گذاری نسبت به سایر کشورها نرخ رشد اقتصادی اندکی را برای کشور به ارمغان آورده است و این امر حاکی از عدم بهره‌وری و کارآیی پایین سرمایه‌گذاری در کشور است. در نمودار ۵ رشد سرمایه‌گذاری به تصویر کشیده شده است.

#### نمودار ۵. روند تغییرات سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت



مأخذ: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

همان‌طور که از نمودار ۵ دریافت می‌شود، رشد سرمایه‌گذاری در ایران در طی نزدیک به نیم قرن از نوسانات بسیار قابل توجهی برخوردار بوده که خود حاکی از نداشتن برنامه مشخص و باثبات در خصوص سرمایه‌گذاری در کشور است.

در حال حاضر، فقدان استراتژی و نقشه جامع سرمایه‌گذاری در امر هدایت سرمایه‌گذاران، منجر به رشد فعالیت‌های غیرمولد به اشکال گوناگون شده است.

در کنار مطالب فوق موضوع کاهنده بودن رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات نیز می‌باید مورد توجه قرار گیرد به گونه‌ای که براساس آخرین آمار موجود، نرخ مذکور از ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۸ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است و طبعاً در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ نیز با وجود رکود جهانی انتظار کاهش آن وجود دارد. آنچه در تطبیق با ادبیات نظری انتظار می‌رود اینکه نوسانات سرمایه‌گذاری با تولید همسو باشد درحالی که مشاهده می‌شود که از یکسو نرخ سرمایه‌گذاری افزایش و از سوی دیگر نرخ رشد تولید، کاهنده بوده است که به عنوان علامتی نامناسب برای ایجاد اشتغال مؤثر و مفید و ناموفق بودن در زمینه ارتقای بهره‌وری تلقی می‌شود.

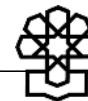
براین اساس در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی، خطوط راهبردی رفع موانع سرمایه‌گذاری توسعه و بخش خصوصی به نحو شایسته‌ای ترسیم شده است، تلاش و به تعبیری جهاد اقتصادی در این عرصه، به بالفعل شدن ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران در جهت شکوفایی و ایجاد اشتغال منجر خواهد شد.

علاوه بر این در متن قانون برنامه پنجم توسعه نیز مواد متعددی در تسهیل فضای کسب‌وکار فصل پنجم (اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار) به تصویب رسیده‌اند که در جهت تشویق سرمایه‌گذاری و رفع موانع تولید گام برداشته که بالطبع نقش بسزایی در ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کنند.

بنابراین برای ایجاد فرصت شغلی پیش‌بینی شده در برنامه پنجم، سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی به‌ویژه سرمایه‌گذاری در تولیدات با دانش فنی اشتغال‌زا می‌باید بیش از قبل مورد حمایت دولت قرار گیرند.

از نگاهی دیگر عدم هدایت پس‌اندازهای خصوصی به سمت سرمایه‌گذاری مولد به جای مصرف گذرا حکایت از ناطمینانی اقتصاد به‌ویژه از حیث بازارهای مالی دارد. نگاهی بر ارتباط میان رشد هزینه مصرفی و رشد اقتصادی، این موضوع را روشن‌تر می‌کند. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد رشد GDP در سال ۱۳۸۶ معادل ۶/۷ درصد بوده است و در عین حال، هزینه مصرفی بخش خصوصی در همان سال با ۶/۷ درصد افزایش مواجه شده است. توجیهی که می‌توان ارائه





کرد اینکه با افزایش درآمدی که جامعه تجربه نمود، به دلیل موانع متعدد پیشروی تولید، پس‌اندازها به احتمال زیاد صرف تصمیمات کوتاه‌مدت و هزینه‌های گذرا شده است. به بیان دیگر پس‌اندازهای جزء صرف هزینه‌های مصرفی کوتاه‌مدت و پس‌اندازهای کلان صرف کالاهای مصرفی بادوام (نظیر مسکن و...) شده است. به تعبیری دیگر در شرایطی تورمی، پس‌انداز اگر به شکل نگهداری پول باشد که دوام نمی‌آورد، تبدیل به انواع مختلف هزینه‌های مصرفی شده و در سطح کلان، رشد بلندمدت را به شدت - از حیث کاهش در رشد - تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه که شاهد رخداد آن در حال حاضر هستیم.

از یک منظر دیگر موضوع اعتبارات پولی و تأثیر آن بر تورم است که بی‌شک به موضوع اشتغال نیز ارتباط پیدا می‌کند.

براساس آمار سال ۱۳۸۷، منتشره از سوی بانک مرکزی در بخش پولی و اعتباری، نرخ تورم ۲۵/۴ درصد گزارش شده است ولی نرخ رشد نقدینگی در سال مذکور ۱۵/۹ درصد بوده است.<sup>۱</sup> این درحالی است که رشد پایه پولی ۴۸ درصد افزایش داشته است. به‌طور خاص نگاه اشتغال‌زایی دولت از طریق اعطای تسهیلات (نگاه پولی و اعتباری بر ایجاد اشتغال) و فشار بر بانک‌ها باعث شد تا بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش یافته منجر به افزایش پایه پولی می‌شود. بنابراین اگر بدون توجه به بخش عرضه اقتصاد به سمت سیاست‌های پولی انبساطی (با هدف ایجاد اشتغال هدفگذاری شده) قدم برداشته است. شاید در کوتاه‌مدت افزایش رشد تجربه شود ولی با ایجاد تورم مجدد آثار مثبت سیاست از بین می‌رود. در مقابل اگر با هدف کنترل تورم در کوتاه‌مدت، سیاست‌های انقباضی شدید اجرا شود، تعمیق رکود را در پی خواهد داشت. آنچه به‌عنوان جمع‌بندی از اتخاذ سیاست‌های اقتصادی بهینه در اینجا می‌توان به آن اشاره نمود بحث اتخاذ سیاست پولی مناسب است که با توجه به شرایط اقتصادی رکود و رونق و البته ساختار تورم با استفاده از ابزارهای پولی مناسب و شناخت روابط باثبات بین ابزار پولی با حجم پول و تورم و رشد می‌باید بهترین تصمیم در شرایط کنونی اتخاذ شود. طبعاً از متن آن سیاست بهینه، علامت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری و تولید به جامعه منعکس شده و به تبع آن اشتغال مولد ایجاد خواهد شد.

۱. رشد نقدینگی در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۸ نسبت به اسفندماه سال ۱۳۸۷، ۱۷/۹ درصد بوده است.

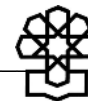
## اهم اقدامات انجام شده و برنامه‌های دولت برای ایجاد فرصت شغلی برمبنای اطلاعات ارائه شده در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

براساس آخرین اطلاعات منتشر شده در سال ۱۳۸۸، به‌طور کلی منابع مالی لازم برای ایجاد اشتغال از محل بندهای «ذ» و «ژ» تبصره «۲» قانون بودجه سال ۱۳۸۴ و طرح بنگاه‌های زودبازده در مقایسه با سال قبل از آن با رشدی محدود مواجه بود. اتخاذ سیاست‌های تثبیتی توسط دولت به‌منظور مهار تورم و کاهش درآمدهای ارزی کشور به‌دنبال افت قیمت جهانی نفت در عملکرد پایین تسهیلات اعطایی برای ایجاد فرصت‌های شغلی مؤثر بوده است.<sup>۱</sup> برخی از مهمترین اقدامات دولت درخصوص اشتغال‌زایی که عیناً از گزارش خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۸، صفحات ۱۵ تا ۱۷ اقتباس شده به‌شرح ذیل ارائه شده است:

**الف) کمک‌های فنی و اعتباری به بخش خصوصی و تعاونی (موضوع آیین‌نامه اجرایی بندهای «ذ» و «ژ» تبصره «۲» قانون بودجه سال ۱۳۸۴):** در سال ۱۳۸۸، در قالب آیین‌نامه اجرایی مزبور مانده اعتبار قراردادهای از محل منابع داخلی بانک‌ها با ۴/۷ میلیارد ریال افزایش نسبت به پایان اسفندماه ۱۳۸۷ به ۷۹۳۷/۴ میلیارد ریال رسید. همچنین، مانده وجوه واریز شده به حساب بانک‌ها ازسوی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور ۱۱۸۶/۱ میلیارد ریال بود که در مقایسه با اسفندماه ۱۳۸۷، ۱۰/۸ میلیارد ریال افزایش داشت. مانده تسهیلات پرداختی در پایان اسفندماه به رقم ۲۸۳۹/۸ میلیارد ریال رسید که در مقایسه با سال قبل ۳/۶ درصد رشد داشت. نکته حائز اهمیت، رشد مانده اقساط سررسید گذشته معوق حساب مذکور است، به‌طوری که نسبت مانده اقساط سررسید گذشته و معوق به مانده تسهیلات پرداختی به ۱۰/۴ درصد رسید که در مقایسه با نسبت ۶/۵ درصدی در سال قبل از آن ۱/۶ برابر شده است. این خود حکایت از عدم وجود فضای رونق در عرصه کسب‌وکار و به تعبیری حاکم بودن شرایط رکود تولید در کشور دارد.

**ب) تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین:** مجموع سهمیه ابلاغی بانک مرکزی برای اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک اقتصادی و زودبازده تا پایان سال ۱۳۸۸ مبلغ ۴۶۷۶۸۰/۰ میلیارد ریال بود که در مقایسه با سال ۱۳۸۷ تغییری نداشت. اعمال سیاست‌های تثبیتی دولت، عدم استفاده از تسهیلات دریافتی برای موضوع قرارداد در برخی از طرح‌ها، محدودیت منابع سیستم بانکی، بدهی سنگین بانک‌ها به بانک مرکزی و معوق شدن بخشی از تسهیلات اعطایی از علل عدم افزایش سهمیه مذکور بوده است.

۱. بانک مرکزی - الف، ۱۳۸۸، ص ۱۷.



در این سال مانده مبلغ طرح‌های معرفی شده به بانکها ۶۳۱۷۳۳/۴ میلیارد ریال و ارزش طرح‌های تأیید شده در بانکها ۲۹۷۲۶۹/۲ میلیارد ریال بود که در مقایسه با اسفندماه ۱۳۸۷ به ترتیب ۴/۸ و ۵/۵ درصد رشد داشت. مانده تسهیلات پرداختی بانکها از این محل تا اسفندماه ۱۳۸۸ با ۱۰/۲ درصد افزایش به ۲۲۸۵۷۳/۶ میلیارد ریال رسید که نشان‌دهنده متوسط ۱۳۱/۱ میلیون ریال تسهیلات مورد نیاز برای ایجاد هر فرصت شغلی است. تا پایان اسفندماه ۱۳۸۸، به ترتیب ۸۹۹۳/۷ و ۱۰۰۴۱/۳ میلیارد ریال از اصل این تسهیلات، سررسید گذشته و معوق شد.

**ج) حساب ذخیره ارزی:** براساس عملکرد تسهیلات اعطایی بانکها در هشت‌ماهه سال ۱۳۸۸، مانده کل تسهیلات درخواستی ۲۲۵۹۱/۰ میلیون دلار و مانده مجموع قراردادهای منعقد شده با مشتریان ۱۵۳۱۵/۰ میلیون دلار بود که در مقایسه با اسفندماه سال قبل به ترتیب ۴۱۸/۰ و ۱۰۲۸/۰ میلیون دلار افزایش نشان می‌دهد.

همچنین، مانده تسهیلات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی بانکها در آبان‌ماه ۱۳۸۸ مبلغ ۹۷۲۲/۰ میلیون دلار بود که نسبت به اسفندماه ۱۳۸۷ (۸۶۰۱/۹ میلیون دلار)، ۱۲/۷ درصد افزایش داشته است. مانده مطالبات غیرجاری ارزی نیز در آبان‌ماه ۱۳۸۸ به رقم ۵۰۰۳/۲ میلیون دلار رسید که در مقایسه با رقم اسفندماه ۱۳۸۷، ۴۳/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. بخش عمده تسهیلات پرداخت شده ارزی مربوط به تسهیلات پرداختی از محل حساب ذخیره ارزی می‌باشد.

### برنامه دولت برای سال ۱۳۹۰

هرچند در مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۷ مکاتبه‌ای با معاون سرمایه انسانی و توسعه اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی مبنی بر درخواست مستندات و اهم برنامه‌های دبیرخانه شورای عالی اشتغال در جهت ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی در سال ۱۳۹۰ صورت پذیرفته و تاکنون جواب نامه فوق دریافت نشده است، لکن با مراجعه به رسانه‌ها و مصاحبه وزیر کار و امور اجتماعی در مورخ ۱۳۹۰/۱/۲۲ اهم برنامه‌های وزارتخانه مذکور برای ایجاد ۲/۵ میلیون شغل به شرح ذیل گزارش شده است:<sup>۱</sup>

۱. اختصاص ۱۳۰ میلیارد تومان در کنار ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع صندوق توسعه ملی،
۲. اصلاح قانون کار،
۳. تفاهم با استانداری‌ها از سوی وزارت کار به صورتی که هر استان تعهد ایجاد اشتغال داشته باشد،
۴. ۹۰ هزار میلیارد تومان منابع بانکی، همچنین پرداخت ۲۸ هزار میلیارد تومان مانده منابع زودبازده،
۵. تحقق ۴۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی،

۱. مراجعه شود به مرکز اطلاع‌رسانی بازار کار به آدرس:

۶. پروژه‌های عمرانی با اعتبار ۴۰ هزار میلیارد تومان.

با نگاهی اجمالی به برنامه‌های اعلام شده و نیز مراجعه به بخش‌های مختلف گزارش، نظیر شیوه آمارگیری و نحوه محاسبه جمعیت شاغل و نیز سیاست‌های اقتصادی و متغیرهای محرک اشتغال و همچنین مراجعه به مستندات برنامه پنجم توسعه تهیه شده از سوی معاونت نظارت راهبردی رئیس‌جمهور که در آن تصریح شده است در صورت اجرای سناریوی مطلوب به‌طور خوش‌بینانه سالیانه ۸۴۳/۲ هزار نفر عرضه نیروی کار جدید خواهیم داشت، بنابراین ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی یعنی چیزی در حدود ۳ برابر عرضه نیروی کار سالیانه جدید، این موضوع تا حدی غیرواقعی تلقی می‌شود. در زیر برنامه اعلام شده توسط دولت در ایجاد اشتغال، نقد شده است.

### محدودیت تحقیق و نقد برنامه‌های دولت

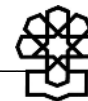
در نقد اهم اقدامات به‌عمل آمده و نیز برنامه‌های ارائه شده از سوی دولت در ایجاد اشتغال، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. نکته اول، هرچند وجوه اداره شده، تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و کارآفرین و حساب ذخیره ارزی به‌عنوان اهم اقدامات انجام شده از سوی دولت در حیطه اشتغال و اشتغال‌زایی معرفی شده است، لکن به‌دلیل افزایش مطالبات معوق و مانده دیون به سیستم بانکی و نیز عدم وجود فضای مناسب کسب‌وکار و تولید، این نکته استنباط می‌شود که بار اصلی کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی صرفاً برعهده دولت است و این، هزینه مضاعف و پیامدهای اقتصادی منفی در پی دارد. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت مشاغلی که از طریق توزیع اعتبارات به‌ویژه به‌صورت خوداشتغالی ایجاد می‌شوند، بیشتر کوتاه‌مدت هستند و پس از مدتی افراد مذکور با مقداری بدهی به دولت بابت تسهیلات دریافتی، به خیل بیکاران کشور اضافه می‌شوند.

۲. نکته دوم به موضوع پایایی و دوام ایجاد فرصت شغلی بر می‌گردد. مطابق تحقیقات صورت گرفته، ایجاد فرصت شغلی در کوتاه‌ترین زمان ممکن - به‌عنوان مثال از طریق تزریق اعتبار پولی - صرفاً برای یک دوره کوتاه زمانی (مثلاً ۶ ماه) توانسته نرخ بیکاری را کاهش داده و پس از دوره مذکور مجدداً نرخ بیکاری را افزایش داده است.<sup>۱</sup>

۳. سوم اینکه یکی از ایرادهای اساسی دولت در نگاه به اشتغال و اشتغال‌زایی، مقوله صرف پولی و یا به تعبیری ایجاد اشتغال از منظر صرف اعطای تسهیلات است که در ادبیات تحقیق ارزیابی‌های بازار کار، اعطای تسهیلات به نیروی کار برای ایجاد اشتغال یک سیاست منفعل

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به آدرس ردیف ۱۱ منابع و مأخذ درخصوص ارزیابی اقتصاد خرد سیاست‌های بازار کار، ص ۱۷۷.



محسوب می‌شود. مضافاً اینکه به شیوه اعلام متوسط هزینه ایجاد هر شغل نیز انتقاد اساسی وارد است. بدین مفهوم که به لحاظ وجود پیچیدگی‌های متعدد در محاسبه هزینه‌های نیروی کار در هر بنگاه (حال با تکنولوژی کاربر یا سرمایه‌بر و نیز فناوری ساده یا پیشرفته و...)، نمی‌توان از طریق تقسیم اعتبارهای داده شده بر تعداد شاغلین به هزینه ایجاد فرصت شغلی دست یافت به‌ویژه اگر ایجاد اشتغال پایدار مد نظر باشد. طبعاً روش بیان هزینه متوسط ایجاد شغل برای شغل پایدار ابهام جدی دارد.

۴. همچنین یکی از محدودیت‌های اصلی تحقیق برای راستی‌آزمایی اشتغال ایجاد شده توسط دولت، نبود اطلاعات دقیق منطبق با روش‌های اندازه‌گیری مذکور است. به بیان دیگر، با نگاهی بر چارچوب کلی تحقیقات مرتبط با ارزیابی اشتغال به‌ویژه متدولوژی‌های به‌کار رفته در آنها، مشاهده می‌شود که به‌طور مرسوم تمرکز اصلی ارزیابی‌های صورت گرفته بر اندازه‌گیری سیاست‌های فعال بازار کار<sup>۱</sup> قوام می‌یابد که این اندازه‌گیری خود شامل موارد ذیل می‌شود:<sup>۲</sup>

- آموزش‌های شغلی،<sup>۳</sup>

- برنامه‌های ایجاد فرصت شغلی،<sup>۴</sup>

- اندازه‌گیری‌های مرتبط با تعدیل ساختاری،<sup>۵</sup>

- یارانه‌های هزینه نیروی کار برای کارفرمایان.<sup>۶</sup>

طبعاً برای ارزیابی دقیق برنامه نیاز به آمار و اطلاعات مرتبط است. به‌عنوان مثال از بُعد آموزش‌های شغلی لازم است گزارش‌ها و عملکردهای مرتبط با تعداد کارآموزان و افراد آموزش‌دیده، میزان هزینه‌های صرف شده در آن و البته اثربخشی آموزش‌ها موجود باشد تا بتوان براساس آن ارزیابی کرد، لکن در همین زمینه به‌رغم مکاتبات صورت گرفته اطلاعات مذکور در دسترس قرار نگرفته است. یا اینکه برای یارانه‌های پرداختی دولت برای کارفرمایان استخدام‌کننده نیروی کار، وضعیتی مشابه وجود داشته و لذا امکان ارزیابی دقیق سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت از حیث روایی تحقیق با مشکل مبنایی مواجه است.

۵. نکته آخر به خودداری مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از ارائه به موقع ارقام مربوط به آمارگیری‌ها و برآوردهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری برمی‌گردد، زیرا نزدیک به سه سال است که برخی آمار و اطلاعات کلیدی اقتصادی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی، پس‌انداز

1. Active Labour Market Policy (ALMP)

2. ZEW([http://www.zew.de/en/publication/eva/vation/aktive\\_Ampolitik.php](http://www.zew.de/en/publication/eva/vation/aktive_Ampolitik.php))

3. Vocational Training (VT)

4. Job Creation Schemes adjustment (JCS)

5. Measures Concerning Structural (JCS)

6. Labour Cost Subsidies For Employers (SAS: Structural adjustment Schemes)

ناخالص ملی، تفکیک سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی ارائه نمی‌شود همین امر خلاف سبب شده است که بعضی از مقامات اجرایی با ارائه ارقام بدون استناد مراجع رسمی فوق‌الذکر، وضع موجود را موفق جلوه بدهند. از حیث نظری نرخ بیکاری با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نسبت عکس دارد. بر همین اساس مطابق با گزارش‌های سالیانه دولت در سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ و ۱۳۸۳ - ۱۳۸۶ منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی کنونی متوسط نرخ سالیانه رشد GDP در دو مقطع فوق‌الذکر به ترتیب ۶/۳۶ درصد و ۶/۶۳ درصد بوده است.

در عین حال متوسط فرصت شغلی ایجاد شده در دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ معادل ۵۸۸,۶۰۰ نفر و در سه سال اول برنامه چهارم (۱۳۸۴ - ۱۳۸۶) به طور متوسط ۷۶۴,۶۳۳ بوده است. با این توصیف نمی‌توان پذیرفت که با نرخ رشدهای حدود ۶ درصد در طی سال‌های اولیه برنامه چهارم سالیانه حدود ۷۶۵ هزار شغل ایجاد شده باشد ولی با نرخ رشد ۱ درصد، ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار شغل ایجاد شده باشد. به بیان دیگر با نرخ رشد حدود یک‌هفتم دوره قبل، ۲/۲ برابر شغل ایجاد شود و از این منظر، ادعای ایجاد ۱/۶ میلیون فرصت شغلی در سال ۱۳۸۹ و برنامه برای ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی در سال ۱۳۹۰، مورد تردید جدی است.

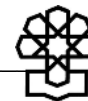
### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سؤالات اصلی تحقیق که این گزارش به آنها پاسخ داده است به ترتیب زیر است:

۱. آیا برون‌دادهای آمارگیری نیروی کار نمایی از فرصت‌های جدید شغلی ارائه می‌دهد؟

در پاسخ باید گفت که هرچند آمارگیری نیروی کار (LFS) از ویژگی‌های بارز و برجسته‌ای منطبق با مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار برخوردار است، لکن باید گفت برون‌دادهای این نوع آمارگیری در مقایسه با آمارگیری‌های اشتغال (CES)، (CPS) و (UI) که تدقیق بیشتری در ارزیابی ایجاد اشتغال از حیث مراجعه به بنگاه‌ها، خانوارها و بیمه بیکاری دارد، نمایی کمتر و با تدقیق کمتر از آمارگیری‌های مذکور برای ایجاد فرصت شغلی ارائه می‌کند.

به بیان دیگر برای ارزیابی فرصت‌های شغلی ایجاد شده لازم است، ابزار و متدولوژی مورد نیاز تحقیق در دسترس باشد. به طور خاص وقتی که آخرین اطلاع در دسترس از سوی مرکز آمار، مربوط به طرح آمارگیری نیروی کار بهار ۱۳۸۹ باشد، نمی‌توان عملکرد ایجاد اشتغال ۱/۶ میلیون نفری دولت را راستی‌آزمایی کرد. ممکن است چنین گفته شود که با استفاده از برخی تکنیک‌های پیش‌بینی و با استفاده از روند گذشته می‌توان نرخ بیکاری برای سایر فصول سال ۱۳۸۹ را تخمین



زد و آنگاه مقایسه کرد، اما این نکته را باید در نظر داشت که به دلیل شرایط ساختاری حاکم بر اقتصاد ایران به‌ویژه از حیث تغییرات ساختاری و دلالت‌های مترتب بر شوک‌های ناشی از سمت عرضه و تقاضای اقتصاد کلان نظیر افزایش قیمت حامل‌های انرژی و... نمی‌توان تخمین دقیقی ارائه کرد. به بیان دیگر پیش‌بینی متغیر نرخ بیکاری با شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد ایران آن هم به تاسی از روند گذشته از تدقیق و روایی لازم برخوردار نیست. پس در کل باید گفت تا وقتی که ابزار درست و به‌روز شده یعنی آمارهای مورد نیاز در اختیار نباشد، نمی‌توان نمای واقعی از عملکرد اقتصاد ایران از بُعد اشتغال‌زایی ارائه نمود.

ازسوی دیگر شیوه مستندات درست و دقیقی از اعلام ایجاد شغل ازسوی دولت تاکنون در دسترس قرار نگرفته است که بر پایه آن بتوان موضوع را بررسی کرد.

## ۲. آیا شواهد مربوط به محرک‌های اشتغال به‌ویژه سیاست‌های اتخاذ شده و متغیرهای

### کلان اقتصاد دلالت بر ایجاد حجم بالایی از فرصت‌های جدید شغلی دارد؟

در پاسخ باید گفت همانطور که در متن گزارش نیز در بخش مربوط به آن اشاره شده است تدقیق در عوامل درونزای رشد اقتصادی به‌ویژه موضوع سرمایه انسانی و البته بهره‌وری نیروی کار در کنار سایر عوامل نظیر سیکل‌های نفتی، سیاست‌های مالی، پولی، تجاری و... در توجیه پایین بودن نرخ رشد اقتصادی مؤثرند و امکان دستیابی به رشد اقتصادی قابل توجه بدون سرمایه‌گذاری‌های مولد و پربازده امکانپذیر نیست. درواقع اشتغال برآیند یک زنجیره اقتصادی است که امکان دستیابی به نرخ بیکاری پایین و ایجاد اشتغال خالص مورد نظر بدون توجه به کل زنجیره اقتصادی فراهم نمی‌شود. با این توصیف امکان تحقق حجم بالای فرصت شغلی جدید به دلیل نامناسب بودن برخی از متغیرهای کلان اقتصادی مرتبط، وجود ندارد.

در تکمیل این بحث نگاهی بر نرخ رشد GDP سرانه و دیگر شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن یعنی رشد بهره‌وری نیروی کار، رشد نرخ مشارکت و رشد نرخ اشتغال به‌عنوان شاخص‌های اصلی معرفی‌کننده نرخ رشد GDP سرانه، متأسفانه حکایت از عدم تحقق فرصت‌های شغلی موردنظر دارد. مضافاً اینکه از بررسی وضعیت شاخص‌هایی چون نسبت  $\frac{I}{GDP}$  (سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی) و به‌طور خاص روند رشد کاهنده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات، عدم هدایت پس‌اندازهای خصوصی به سمت سرمایه‌گذاری مولد، نگاه صرف پولی (اعتباری) به موضوع ایجاد اشتغال (یعنی ایجاد اشتغال صرفاً از طریق اعطای تسهیلات)، چراغ راهنمای ما در ارزیابی عملکرد ایجاد اشتغال اعلام شده بود که نتیجه این است که آمارهای اعلامی را باید با دید تردید نگریست.

بنابراین با نگاهی بر محرک‌های اصلی اشتغال یعنی رشد اقتصادی، سیاست‌گذاری و... مرتبط با

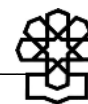
ایجاد اشتغال چند نکته قابل ذکر است:

۱. مطابق با اهم اقدامات انجام شده از سوی دولت در مستند مربوط به گزارش «تحولات اقتصادی در سال ۱۳۸۸» بانک مرکزی، وجوه اداره شده، تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و کارآفرینی و اعطای تسهیلات از حساب ذخیره ارزی، عمده فعالیت‌های دولت در حیطه اشتغال و اشتغال‌زایی را تشکیل داده است. اطلاعات مذکور بیانگر این واقعیت است که بار اصلی کاهش بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی متناسب با عرضه نیروی کار به‌عهده دولت است و دولت خود به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و تثبیت شغل‌های موجود نقش ایفا می‌کند. این درحالی است که تجربه موفق ایجاد اشتغال در کشورهای درحال توسعه، ایفای نقش دولت در عرصه تسهیل کسب‌وکار و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری است. براین اساس به‌نظر می‌رسد نگاه اصلی دولت برای ایجاد شغل، صرفاً اعطای تسهیلات است. به‌ویژه آنکه این تسهیلات به‌منظور خوداشتغالی اعطا شده باشد. این نکته قابل توجه است که مشاغلی که از طریق توزیع اعتبارات به‌ویژه به‌صورت خوداشتغالی ایجاد می‌شود، بیشتر کوتاه‌مدت هستند و پس از مدتی افراد مذکور با مقداری بدهی به دولت بابت وام دریافتی به خیل بیکاران کشور می‌پیوندند. بنابراین آنچه راه اصولی و بلندمدت به‌نظر می‌رسد و تجربه کشورهای دیگر و حتی مبانی نظری بازار کار آن را تأیید می‌کند، محور قرار دادن تولید در کشور و برداشتن موانع و مشکلات بخش تولید است. به‌طور قطع در این فرآیند اگر فرصت‌های شغلی ایجاد شود، واقعی و پایدار خواهد بود.

۲. نکته دیگر اینکه تجربه سایر کشورها حاکی از آن است که حمایت از واحدهای کوچک و زودبازده صرفاً به حمایت‌ها و پرداخت اعتبار و تسهیلات محدود نمی‌شود بلکه حمایت‌های متنوع‌تری لازم است. ازجمله برنامه ارائه خدمات آموزشی، فراهم نمودن بستر معرفی محصولات و معرفی بازارهای جدید در داخل و خارج از کشور، ارائه یارانه به تولیدات ناشی از نوآوری و فناوری است.

این اشکال (نگاه صرف اعتباری به موضوع اشتغال) در گزارش عملکرد اهم اقدامات انجام شده به قدری واضح است که اعتبار لازم برای ایجاد هر فرصت شغلی را در حدود ۱۳۱/۱ میلیون ریال در سال ۱۳۸۸ اعلام کرده است. این درحالی است که اولاً به‌دلیل تفاوت ماهوی کسب‌وکارها و به‌تبع دانش فنی مورد نیاز، سرمایه انسانی، سرمایه در گردش و... نمی‌توان رقم یکسانی به‌عنوان هزینه ایجاد هر فرصت شغلی ارائه کرد. ثانیاً به فرض اینکه آمار مذکور متوسط را در نظر گرفته باشد طبعاً با در نظر گرفتن زیرساخت‌های لازم نظیر محل استقرار، دسترسی به امکانات متنوع جاده، خدمات ارتباطی و... برای کسب‌وکارها قطعاً رقم مذکور بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت





رقم مذکور صرفاً برای ایجاد فرصت‌های شغلی کارگاهی و بسیار ساده جوابگو است و نه کسب‌وکارهایی کوچک و متوسط که قرار است در دنیای کنونی کسب‌وکار با رقابت‌پذیری بالا قادر به ادامه حیات خود باشند.

۳. اشکال دیگری که به نگاه صرفاً اعتباری در مورد اشتغال و اشتغال‌زایی وارد است اینکه مقوله تأمین مالی کسب‌وکارها پیش از آنکه بر رفع نیاز نقدینگی کسب‌وکارها متمرکز شود، بر اعطای تأمین مالی به شرط ایجاد شغل تأکید دارد. با شرایط کنونی حاکم بر قانون کار نیز معمولاً کارفرمایان و کارآفرینان ترجیح می‌دهند تا حد امکان نیروی کار جدید استخدام نکنند، حتی اگر نیاز به نیروی کار هم داشته باشند. لذا مقوله‌ای که از این منظر باید مورد توجه قرار گیرد اینکه سیاست مذکور برخلاف قاعده حاکم بر بازار کار یعنی انعطاف‌پذیری و جابجایی نیروی کار عمل نموده و لذا در بلندمدت اشکالات ساختاری بازار کار نظیر بهره‌وری پایین نیروی کار و... بروز خواهد کرد. علاوه بر این، اقدامات انجام شده دولت برای ایجاد فرصت‌های شغلی نیز حکایت از به‌کارگیری سیاست‌های فعال بازار کار به‌منظور تحول جدید در بازار کار ندارد و قالب این حمایت‌ها و برنامه‌های اعلام شده از سوی دولت اتخاذ سیاست‌های منفعل بازار کار را به تصویر کشیده است. نکته مهمتر به خودداری مرکز آمار ایران و بانک مرکزی از ارائه به موقع ارقام مربوط به آمارگیری‌ها و برآوردهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری برمی‌گردد، زیرا نزدیک به سه سال است که برخی آمار و ارقام کلیدی اقتصادی، ارائه نشده است. همین امر خلاف سبب شده است که بعضی از مقامات اجرایی با ارائه ارقام بدون استناد مراجع رسمی فوق‌الذکر، وضع موجود را موفق جلوه بدهند. از حیث نظری نرخ بیکاری با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نسبت عکس دارد. بر همین اساس مطابق با گزارش‌های سالیانه دولت در سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ و ۱۳۸۳ - ۱۳۸۶ منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی کنونی، متوسط نرخ سالیانه رشد GDP در دو مقطع فوق‌الذکر به ترتیب ۶/۳۶ درصد و ۶/۶۳ درصد بوده است.

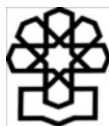
در عین حال متوسط فرصت شغلی ایجاد شده در دوره ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ معادل ۵۸۸,۶۰۰ نفر و در سه سال اول برنامه چهارم (۱۳۸۴ - ۱۳۸۶) به‌طور متوسط ۷۶۴,۶۳۳ بوده است. با این توصیف نمی‌توان پذیرفت که با نرخ رشد‌های حدود ۶ درصد در طی سال‌های اولیه برنامه چهارم سالیانه حدود ۷۶۵ هزار شغل ایجاد شده باشد ولی با نرخ رشد ۱ درصد، ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار شغل ایجاد شده باشد. به بیان دیگر با نرخ رشد در حدود یک‌هفتم دوره قبل، ۲/۲ برابر شغل ایجاد شود و از این منظر، ادعای ایجاد ۱/۶ میلیون فرصت شغلی در سال ۱۳۸۹ و برنامه برای ایجاد ۲/۵ میلیون فرصت شغلی در سال ۱۳۹۰ مورد تردید جدی قرار دارد.

با این توصیف پیشنهادهای سیاستی ذیل ارائه می‌شود:

۱. انتشار آمارهای به‌روز و مورد نیاز از حیث کلان برای ارزیابی ایجاد اشتغال نظیر رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی کار، پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ... ،
۲. اتخاذ تدابیری برای اجرای آمارگیری‌های ماهیانه ارزیابی ایجاد اشتغال (نظیر UI، CES و CPS)،
۳. توجه ویژه دولت به ارتقای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین‌آلات،
۴. برنامه‌ریزی برای هدایت پس‌اندازهای خصوصی به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد،
۵. اتخاذ برنامه‌ها و سیاست‌های فعال بازار کار و تلاش در جهت ایجاد اشتغال پایدار،
۶. تسهیل فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری.

### منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی - الف، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۸، مهرماه ۱۳۸۹.
۲. بانک مرکزی - ب، گزارش بهره‌وری اقتصاد ایران، فروردین‌ماه ۱۳۸۹.
۳. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۴. رالف و هوسمانز، فرهاد مهران و وی‌جی درما. آمارگیری جمعیت فعال اقتصادی، بیکاری، اشتغال و اشتغال ناقص، سازمان بین‌المللی کار، ترجمه معاونت اشتغال وزارت کار، ۱۳۷۳.
۵. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
۶. مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۴ - ۱۳۸۹.
۷. معاونت نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مستندات کلان برنامه پنجم (بازار کار) دفتر برنامه‌ریزی اقتصادی، مهرماه ۱۳۸۸.
8. Kliesen, Kevin. "How well Does Employment Predict Output? Federal Reserve Bank of St.louis Review, 89 (5), October 2007.
9. IMF Survey Online, "Growth Rebounds in MENA", Regional Economic Outlook, October 2010.
10. OECD, "Economic Surveys, 2008.
11. Caliendo, Marco, "Microeconomic Evaluation of Labour Market Policies, Springer 2008.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۸۲۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اشتغال و اشتغال‌زایی در اقتصاد کلان ایران «مفاهیم، دلالت‌ها و سیاست‌های مرتبط»

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: افشین حیدرپور

اظهار نظر کننده: فردریک ملک

ناظر علمی: رؤیا طباطبایی یزدی

مقتضی: احمد توکلی (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اشتغال

۲. بازار کار

۳. برنامه پنجم توسعه

۴. نیروی کار

۵. سیاست‌های اقتصادی

۶. رشد اقتصادی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۳/۱۷